پیش‌بینی مهارتهای اجتماعی و مشکلات رفتاری فرزندان بر اساس مدیریت رفتار والدین با رویکرد شناختی

◈ زهرا رحیمی‌یگانه[۱] ◈ دکتر محمدحسین شریفی‌نیا[۲*]

چکیده: یکی از مهارتهای مهمی که هر فرد باید در دوران کودکی بیاموزد مهارتهای اجتماعی است. سبک رفتار والدینی با شکل‌گیری مهارتهای اجتماعی و مشکلات رفتاری فرزندان ارتباط دارد. پژوهش حاضر با هدف مطالعه نقش مدیریت شـــناختی رفتار والدینی در پیش‌بینی مهارتهای اجتماعی و مشکلات رفتاری فرزندان انجام شده است. روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی پیش‌بین بود. آزمودنیها ۱۹۴ دانش آموز دختر و پسر مقطع ابتدایی شهر تهران و والدین آنها بودند که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای ارزیابی مهارتهای اجتماعی و مشکلات رفتاری فرزندان از مقیاس مهارتهای اجتماعی گرشام و الیوت و برای سنجش نقش عملکرد والدین در مدیریت رفتار فرزندان، از پرسشنامه محقق‌ساخته مدیریت رفتار والدینی استفاده شد. داده‌های گردآوری شده با ضریب همبستگی چندگانه پیرسون و رگرســـیون خطی در نرم‌افزار SPSS22 تحلیل شدند. یافته‌ها نشان دادند که میان مدیریت شـــناختی رفتار والدینی و مهارتهای اجتماعی کودکان رابطه مثبت معنادار و با مشکلات رفتاری آنان رابطه منفی معنادار وجود دارد. همچنین، نتایج رگرسیون خطی آشکار کرد که ۲۰٪ از واریانس مهارتهای اجتماعی کودکان از روی مدیریت رفتار والدین با رویکرد شناختی قابل پیش‌بینی است. بنابراین، پژوهش حاضر نقش مدیریت شناختی رفتار والدین را در مهارتهای اجتماعی و مشکلات رفتاری فرزندان تأیید کرده است.

کلید واژگان: مدیریت رفتار فرزندان، مهارتهای اجتماعی، مشکلات رفتاری، رویکرد شناختی

◉ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۸ ◉ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۹

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسندهٔ اول است.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ذهن، مغز و تربیت، مؤسسه آموزش عالی علوم شناختی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران (نویسنده مسئول). **E-mail:** sharifinia@rihu.ac.ir

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-09]

مقدمه

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دوران کودکی، کسب مهارتهای اجتماعی[1] است. فراگیری و به‌کارگیری درست این مهارتها به کودکان کمک می‌کند تا رفتاری سازگارانه‌تر با همسالان و مربیان خود داشته باشند (فیشر[2] و همکاران، ۲۰۱۶) و مسیر موفقیت و پیشرفت تحصیلی و شغلی را با اعتماد به نفس بیشتری طی کنند (گوستاوسن[3]، ۲۰۱۷). کودکانی که مهارت اجتماعی بیشتری دارند، از هوش هیجانی بالاتری برخوردارند (تریگوروس[4] و همکاران، ۲۰۲۰) و خودکارآمدی بهتری از خود نشان می‌دهند (سالاورا[5] و همکاران، ۲۰۱۷). پژوهشها همچنین نشان داده‌اند که کودکان دارای مهارتهای اجتماعی بالا، خودپنداره و تاب‌آوری مطلوب‌تری دارند و کمتر دچار فشار روانی و افسردگی دوران کودکی می‌شوند (یرگوزار[6] و همکاران، ۲۰۱۸).

مهارتهای اجتماعی رفتارهایی‌اند که به ما کمک می‌کنند تا کنشی مؤثرتر و سازنده‌تر با دیگران داشته باشیم. این کنشها در دوره کودکی معمولاً در مدرسه و در ارتباط با همسالان، همکلاسیها و معلمان رخ می‌دهند و در بزرگسالی شامل تعامل با همکاران، کارفرمایان، دوستان و افرادی می‌شوند که خارج از محیط خانواده با آنها ارتباط برقرار می‌کنیم (موریسون[7] و همکاران،۲۰۲۰). ردلی و دارت[8] (۲۰۲۲) مهارتهای اجتماعی را توانایی تعامل با دیگران به‌گونه‌ای که مورد پذیرش آنان واقع شود و با ارزشها و هنجارهای اجتماعی سازگار باشد و در همان زمان موجب فایده رساندن به دو طرف شود، تعریف کرده‌اند. گرشام[9] و همکاران (۲۰۲۰) نیز در تعریف خود مهارتهای اجتماعی را مجموعه رفتارهای اکتسابی و جامعه‌پسندی می‌دانند که فرد را قادر می‌سازد با دیگران تعامل مثبت داشته باشد و واکنشهای نامتعارف اجتماعی دریافت نکند. از دیدگاه آنها مشارکت با دیگران، آغازگر رابطه بودن، تعریف و تمجید از دیگران، جرأت‌ورزی، مسئولیت‌پذیری، همکاری و خودکنترلی، رفتارهای آموخته‌شده و قابل مشاهده‌ای‌اند که به فرد توانایی برقراری رابطه مؤثر با دیگران را می‌دهند. به‌این‌سان، مهارتهای اجتماعی طیفی گسترده از رفتارهای میان ـ فردی مانند توانایی شروع ارتباط مؤثر و مناسب با دیگران، ارائه پاسخهای مفید و شایسته، تمایل به رفتارهای سخاوتمندانه، همدلانه و یاری‌گرانه، پرهیز از تمسخر، قلدری و زورگویی به دیگران را دربر می‌گیرند (لیتل[10] و همکاران، ۲۰۱۷).

1. Social skills
2. Fisher
3. Gustavsen
4. Trigueros
5. Salavera
6. Jaureguizar
7. Morrison
8. Radley & Dart
9. Gresham
10. Little

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-09]

مشکلات رفتاری به رفتارهایی اطلاق می‌شوند که از نظر اجتماعی یا فرهنگی قابل قبول نیستند و ایمنی جسمی و روانی فرد یا دیگران را در معرض تهدید قرار می‌دهند. این رفتارها بر یادگیری تأثیر منفی می‌گذارند و دسترسی به موقعیتهای اجتماعی را با محدودیت مواجه می‌سازند. از این گذشته، چنین رفتارهایی می‌توانند مانع پیشرفت تحصیلی، اجتماعی و انطباق کودک شوند (ماتسون[1] و همکاران، ۲۰۱۰؛ به نقل از اسکندری و همکاران، ۱۳۹۹). کودکان دچار مشکلات رفتاری اغلب در برقراری تعامل سالم و سازنده با دیگران دچار مشکل‌اند و از خود تصویری نامطلوب و ناسازگارانه به نمایش می‌گذارند (بامبارا و کرن[2]، ۲۰۲۱).

یکی از عوامل مؤثری که در شکل‌دهی مهارتهای اجتماعی فرزندان و پیشگیری از بروز مشکلات رفتاری در آنان نقشی بی‌بدیل دارد، شیوه مدیریت رفتار والدین است. مدیریت رفتار والدینی شامل همهٔ اقدامات و برنامه‌هایی می‌شود که والدین با هدف افزایش رفتارهای سازنده و قابل پذیرش و کاهش رفتارهای ناهنجار یا آسیب‌رسان فرزندان‌شان به مرحله اجرا درمی‌آورند (بالدوین و بالدوین، ۱۹۸۶؛ به نقل از مالوت و کوهلر[3]، ۲۰۲۱). سبک مدیریت رفتار والدینی عبارت است از روشها و الگوهای نسبتاً پایداری که هر پدر و مادر برای آموزش ارزشها و عاداتی که فرزندان‌شان برای دستیابی به اهداف و کنار آمدن با دیگران به آنها نیاز دارند، از آن بهره می‌گیرند. از این رو به هر فعالیت که هدف آن شکل‌دهی یا نظم‌بخشی به رفتار باشد، مدیریت رفتار گفته می‌شود.

اگر رفتار فرزندان به درستی مدیریت شود، کودک به رشد هیجانی و اجتماعی مناسبی دست می‌یابد. درواقع، سبک مدیریت رفتار مناسب و محیط خانوادگی پرنشاط و رشد دهنده از جمله متغیرهای بنیادینی‌اند که سلامت روانی و پیشرفت و موفقیت کودکان را در آینده رقم می‌زنند (سوارتز[4] و همکاران، ۲۰۱۶). پژوهشها همچنین نشان داده‌اند که سبک مدیریت رفتار والدینی نقشی مهم در کاهش یا جلوگیری از رفتارهای چالش‌برانگیز کودکان دارد و عملکرد آنها را در موقعیتهای متفاوت مانند خانه، مدرسه، محله و ارتباط با نزدیکان و همسالان تنظیم می‌کند (شیک‌دانز[5] و همکاران، ۲۰۱۸).

از نظر پژوهشگران میان سبکهای مدیریت رفتار والدینی و مهارتهای اجتماعی (روئیز-هرناندز[6] و همکاران، ۲۰۱۸) و مشکلات رفتاری کودکان (گرین[7] و همکاران، ۲۰۱۸) ارتباط وجود دارد. پژوهشهای متعددی برای درک نقش سبک مدیریت رفتار فرزندان از سوی والدین در رشد مهارتهای اجتماعی و بروز مشکلات رفتاری کودکان صورت گرفته است. مثلاً معمارباشی اول و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی رابطه

1. Matson
2. Bambara & Kern
3. Malott & Kohler
4. Swartz
5. Schickedanz
6. Ruiz-Hernández
7. Greene

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-09]

تعامل والد ـ کودک با مهارتهـای اجتمـاعی و مشکلات رفتاری در کـودکان پیش‌دبستانی پرداختند. آنها دریافتند که نحوه تعامل والد با کودک با مهارتهای اجتماعی رابطه مثبت معنادار و با مشکلات رفتاری رابطه منفی معنادار دارد. سمیعی زفرقندی و زارع بیدکی (۱۳۹۹) با جستجوی ارتباط محیط خانواده با مهارتهای اجتماعی و حل مسئله در دانش‌آموزان دبیرستانی به این نتیجه رسیدند که میان محیط خانواده با مهارتهای اجتماعی و مهارت حل مسئله رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. بارتولومو[1] و همکاران(۲۰۱۶) رابطه میان سبکهای فرزندپروری و مهارتهای اجتماعی کودکان را در دانش‌آموزان دبستانی برزیلی مطالعه کردند. آنها دراین پژوهش که آزمودنیهای آن ۲۰۲ کودک ۷ تا ۱۰ ساله دختر و پسر بودند، به این‌نتیجه رسیدند که میان این دو سازه همبستگی معناداری وجود دارد. پژوهش کامپیروویچ[2] و همکاران (۲۰۲۰) روی دانش‌آموزان کوزوو و صربستان نشان داد که میان سبکهای مدیریت والدینی و شایستگیهای اجتماعی یا رفتارهای ضداجتماعی دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد. لاد و کوچندرفر ـ لاد[3] (۲۰۱۹) نیز در پژوهشهای خود به وجود رابطه مثبت میان سبکهای مدیریت رفتار فرزندان و مهارتهای اجتماعی کودکان اذعان کردند و در نهایت، مارتینسون[4] و همکاران (۲۰۲۲) نحوه ابراز عواطف و کنترل والدین را در پیش‌بینی شایستگیهای اجتماعی کودکان در برخورد با همسالان مؤثر دانسته‌اند.

برنامه‌های مدیریت رفتار کودکان موجود، اغلب بر نظریات رفتارگرایان استوار است و به نیازهای والدین در زمینه مشکلات رفتاری آنان پاسخ می‌دهـد. این بـرنامه‌ها مهارتـهای فـرزندپروری والدین را تا حدی ارتقا می‌بخشند، اما در مرحله اول اصلاح رفتارکه مبتنی بر پاداش و تنبیه بیرونی است، متوقف می‌ماند. امروزه مشخص شده است رویکرد شناختی که در تغییر رفتار در فضای بالینی توانایی خود را به اثبات رسانده است، می‌تواند به نحو مؤثری در برنامه‌های مدیریت رفتار فرزندان نیز مورد استفاده قرار گیرد (دوایی و همکاران، ۱۳۹۶)، چرا که روشهـای خـودکنترلی و مـدیریت رفتار همـه از اصـول خود تقویتی یا خودنظارتی ریشه گرفته‌اند و با فنونی پیوند خورده‌اند که بیشتر گرایش شناختی دارند. ازاین‌رو روشهای سنتی اصلاح رفتار می‌توانند با روشهای خودکنترلی جایگزین شوند که تأکید بیشتری بر فرایندهای شناختی دارند. فرایندهای شناختی و مهارتهای شناختی میان ـ فردی مختلفی شناسایی شده‌اند که زیربنای رفتارهای کـودک هستنـد. ایـن توانایی و کـسب مهارت در فـرایندهای شناختی با سازگاری رفتاری ارتباط دارد (ورکمن و کاتز[5]، ۱۹۹۵؛ ترجمه محمداسماعیل، ۱۳۸۳).

اکنون به نظر می‌رسد اگر والدین در ارتباط با مدیریت رفتارها و هیجانهای فرزندان‌شان اصول شناختی را مورد توجه قرار دهنـد، می‌تواننـد فرزنـدان خود را قـادر سازنـد تا در برابر هر رفتار به خود

1. Bartholomeu
2. Kompirović
3. Ladd & Kochenderfer-Ladd
4. Martinsone
5. Workman & Katz

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-09]

بازخورد دهند، رفتارهای خود را ارزیابی کنند و بر آنها نظارت داشته باشند. این کودکان همچنین می‌توانند به رفتارهای سازنده و مؤثر خود به‌صورت نظام‌مند پاداش دهند و در موقعیتهای دیگر (مثل مدرسه، پارک و سایر مکانهای عمومی) نیز سازگارتر رفتار کنند. در مطالعات انجام شده تاکنون رابطه مهارتهای اجتماعی و مشکلات رفتاری فرزندان با شیوه مدیریت رفتار والدینی با رویکرد شناختی مورد واکاوی قرار نگرفته بود. ازاین‌رو، در پژوهش حاضر کوشش شده است به این پرسش پاسخ داده شود که آیا مهارتهای اجتماعی و مشکلات رفتاری کودکان با مدیریت شناختی رفتار والدینی رابطه‌ای معنادار دارد؟ و اینکه مهارتهای اجتماعی و مشکلات رفتاری فرزندان به چه میزان بر اساس این نوع مدیریت رفتار والدینی پیش‌بینی می شوند؟

روش

این پژوهش از نظر هدف، یک تحقیق کاربردی و از نظر روش، تحقیقی توصیفی و از نوع همبستگی پیش‌بین است. جامعه آماری پژوهش والدین دانش‌آموزان دختر و پسر پایه‌های سوم و چهارم ۳ دبستان از دبستانهای منطقه ۱۱ شهر تهران بودند. برای تعیین حجم نمونه از جدول کرجسی و مورگان استفاده شده است. طبق این جدول در پژوهشهای همبستگی با سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۰/۰۵ برای جامعه آماری با تعداد ۸۰۰ نفر، حجم نمونه باید تعداد ۲۲۰ آزمودنی باشد. براین اساس، تعداد ۲۲۰ نفر از والدین دانش‌آموزان با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ملاک ورود به پژوهش والدین، داشتن یک فرزند مشغول به تحصیل در کلاس سوم یا چهارم ابتدایی و تمایل آنان به شرکت در پژوهش بود و ملاک خروج، ابتلای هر دو یا یکی از والدین به اختلالات روانی منجر به مصرف داروهای روان‌پزشکی بود که از طریق خوداظهاری صورت گرفت. به‌منظور رعایت اخلاق پژوهش در توضیحات همراه پرسشنامه‌ها بر محرمانه ماندن اطلاعات تأکید شده است.

برای گردآوری داده‌ها از دو مقیاس استفاده شده است: ۱. فرم والدین پرسشنامه مهارتهای اجتماعی گرشام و الیوت[1] (۱۹۹۰)؛ ۲. پرسشنامه محقق‌ساخته مدیریت رفتار فرزندان با رویکرد شناختی.

۱. پرسشنامه مهارتهای اجتماعی که رفتار اجتماعی کودک را در دو محیط خانه و مدرسه مورد ارزیابی قرار می‌دهد، دارای دو بخش اصلی مهارتهای اجتماعی و مشکلات رفتاری است. فرم والدین این مقیاس حاوی ۳۹ گویه در حیطه مهارتهای اجتماعی و ۱۷ گویه در زمینهٔ مشکلات رفتاری است. هر گویه دارای سه گزینه «هرگز=۰، برخی اوقات =۱ و اغلب اوقات=۲» است که بدین ترتیب هر گویه از صفر تا دو امتیاز می‌گیرد. بخش مهارتهای اجتماعی مقیاس رفتارهایی مانند همکاری، قاطعیت، مسئولیت‌پذیری و خودکنترلی فرزندان را ارزیابی می کند. بخش مشکلات رفتاری نیز دارای سه خرده‌آزمون رفتارهای بیرونی (مانند پرخاشگری کلامی

1. Social Skills Rating System (SSRS) Gresham & Elliott

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-09]

یا بدنی، مدیریت خشـــم)، احساسات درونی (همچون اضطراب، غم و اندوه، تنهایی و خودپنداره ضعیف) و بیش‌فعالی (شامل فعالیت مفرط، بی‌قراری و رفتارهای تکانشی) آنان است. پایایی این مقیاس با استفاده از بازآزمایی و آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۴ گزارش شده است (گرشام و الیوت، ۱۹۹۰). در ایران نیز شـــهیم (۱۳۷۸) با اجرای پرسشـــنامه روی ۳۰۴ دختر و پسر۶ تا ۱۲ساله، با آلفای کرونباخ و دونیمه کردن پایایی آن را اندازه گرفت که به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۸۸ به‌دســـت آمده اســـت. خوش‌نظر (۱۳۸۳) نیز روایی این مقیاس را بر اســـاس روش همبستگی میان کل مقیاس و خرده‌مقیاسهای آن برابر با ۰/۸۵ گزارش کرده است.

۲. ابزار دیگری که در این پژوهش مورد اســـتفاده قرار گرفت، پرسشـــنامه مدیریت رفتار فرزندان با رویکرد شناختی بود. این مقیاس به‌منظور سنجش نحوه مدیریت رفتار فرزندان از سوی والدین طراحی شـــده اســـت و به ارزیابی رفتار پدر و مادر در تعامل با کودک از ابعاد گوناگون شناختی، رفتـــاری و هیجانی اختصاص دارد (رحیمی‌یگانه، ۱۳۹۶). اصول شـــناختی پانزدهگانه مدیریت رفتار را که دوایی و همکاران (۱۳۹۶) تهیه کرده بودند، مبنای ســـاخت پرسشـــنامه قرار گرفت. پرسشـــنامه فوق دارای پنج خرده‌مقیاس و ۵۱ گویه اســـت؛ خرده مقیاســـها عبارت‌اند از: تغییر نگـــرش (۱۱ گویه)، توجه به نیازها و درونی‌ســـازی انگیزه‌ها (۱۰ گویـــه)، کارکردهای اجرایی (۱۳ گویـــه)، درونی‌ســـازی رفتار(۱۰ گویه)، توجه بـــه تفاوتهای فـــردی و دادن فرصت تجربه (۷ گویه). هر یک از گویه‌ها دارای پاســـخ ۴ قســـمتی مقیاس لیکرت با گزینه‌های «همیشه=۴، بیشتر اوقات=۳، گاهی=۲ و بنـــدرت=۱» اســـت که به تـــرتیب از یک تا چهـــار امتیاز به آنها تعلق می‌گیرد. برای بررســـی اعتبار محتوایی پرسشنامه از ۱۰ نفر از استادان صاحب‌نظر روان‌شناس و متخصص تعلیم وتربیت نظرخواهی شـــد که CVI آن ۰/۷۹ و CVR آن ۰/۸۵ به‌دســـت آمد که نشـــانگر اعتبار محتوای پرسشـــنامه از منظر خبرگان است. ســـپس پرسشنامه در یک گروه ۵۰ نفری اجرا و برای تعیین میزان روایی مقیاسها از روش همبستگی درونی استفاده شد که آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به‌دست آمد. برای تعیین ضریب روایی پرسشنامه نیز از روایی سازه با روش تحلیل عاملی استفاده شد. پس از تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های اصلی، هفت عامل به‌دست آمد که هر یک گویه‌هایی را به خود اختصاص داد که بیشـــترین بار عاملی را داشتند. در نهایت پس از اطمینان از اعتبار و روایی، پرسشنامه مدیریت رفتار فرزندان با رویکرد شناختی در گروه نمونه اجرا شد و داده‌های به‌دست آمده از این دو پرسشنامه با نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها

نمونه مورد بررسی ۲۲۰ نفر از والدین دانش‌آموزان دختر و پسر پایه‌های سوم و چهارم ابتدایی شهر تهران بودند که پس از دریافت پاسخنامه‌ها به‌دلیل ناقص بودن اطلاعات مورد درخواست پژوهش، ۲۶ پاسخنامه کنار گذاشته شدند و تحلیل نهایی با تعداد ۱۹۴ آزمودنی انجام شد. ۵۱/۵٪ گروه نمونه را

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-09]

والدین دختران و ۴۸/۵٪ را والدین پسران تشکیل می‌دادند. از مجموع ۱۹۴ پرسشنامه تکمیل‌شده ۷۷٪ پرسشنامه‌ها متعلق به مادران و ۲۳٪ متعلق به پدران بود. دامنه سنی آزمودنیها ۲۹ تا ۵۰ سال بود که از این میان ۷۵٪ پاسخگویان مادر در سنین ۳۱ تا ۴۰ سال و ۵۶٪ پدران در دامنه سنی ۵۰-۴۱ سال قرار داشتند.

از نظر سطح تحصیلات، ۳۰٪ والدین زیر دیپلم، ۴۴٪ در سطح فوق‌دیپلم تا لیسانس و ۲۶٪ دارای تحصیلات فوق‌لیسانس و بالاتر بودند. از نظر شغلی نیز ۳۹٪ پدران دارای شغل آزاد، ۳۷٪ کارمند و ۱۴٪ دارای مشاغلی مانند پزشکی، وکالت یا امثال آن بودند که به تخصص علمی ویژه‌ای نیاز دارد. ۱۰٪ بقیه هم بیکار یا فاقد شغل معینی بودند. ۶۴٪ مادران این دانش‌آموزان خانه‌دار و ۳۶٪ شاغل بودند.

ابتدا از والدین خواسته شد که پرسشنامه مدیریت رفتار والدینی محقق‌ساخته، سپس پرسشنامه مهارتهای اجتماعی فرزندان را تکمیل کنند. شاخصهای آماری به‌دست آمده در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد پرسشنامه مدیریت رفتار فرزندان

	والدین دختران		والدین پسران		کل	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
مدیریت رفتار	۱۵۶/۳۰	۱۱/۷۸	۱۵۷/۳۵	۱۳/۵۸	۱۵۶/۸۰	۱۲/۶۶
تغییر نگرش	۳۷/۰۷	۳/۴۶	۳۸/۲۴	۳۸/۷۷	۳۷/۶۳	۳/۷۱
درونی‌سازی انگیزه	۳۱/۳۲	۲/۶۸	۳۱/۸۴	۲/۷۳	۳۱/۵۷	۲/۷۱
تقویت کارکردهای اجرایی	۳۹/۷۰	۳/۸۸	۳۹/۵۳	۴/۴۸	۳۹/۴۴	۴/۱۷
دادن فرصت تجربه	۲۳/۸۳	۲/۲۹	۲۳/۰۳	۲/۸۵	۲۳/۴۴	۲/۶۰
نهادینه کردن رفتار	۲۴/۷۱	۲/۸۰	۲۴/۷۰	۳/۱۳	۲۴/۷۰	۲/۹۶
مهارتهای اجتماعی	۵۲/۲۸	۹/۸۸	۵۴/۸۷	۸/۹۷	۵۳/۵۳	۹/۵۲
مشکلات رفتاری	۸/۹۹	۵/۰۹	۷/۸۰	۵/۸۰	۸/۴۱	۵/۴۶

همانطور که در جدول شماره ۱ آمده، میانگین نمرات مدیریت رفتار والدینی برای والدین دختران ۱۵۶/۳۰ و برای والدین پسران میانگین نمرات ۱۵۷/۳۵ است. همچنین طبق این داده‌ها، میانگین نمره مهارتهای اجتماعی و مشکلات رفتاری فرزندان از منظر والدین، به ترتیب در دختران ۵۲/۲۸ و ۸/۹۹ و در پسران ۵۴/۸۷ و ۷/۸۰ می‌باشد.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-09]

پس از آن، ضریب همبستگی مدیریت رفتار والدینی و زیرمقیاسهای آن با مهارتهای اجتماعی و مشکلات رفتاری از دید والدین محاسبه گردید که ماتریس ضرایب همبستگی در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی مدیریت رفتار والدینی و زیرمقیاسهای آن با مهارتهای اجتماعی و مشکلات رفتاری از دید والدین

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. تغییر نگرش	–							
۲. توجه به نیازها و انگیزه‌ها	۰/۵۹۳**	–						
۳. تقویت کارکردهای اجرایی	۰/۵۶۵**	۰/۳۹۶**	–					
۴. تفاوتهای فردی و فرصت تجربه	۰/۴۲۴**	۰/۴۵۲**	۰/۴۲۵**	–				
۵. درونی‌سازی رفتارها	۰/۵۹۶**	۰/۵۰۰**	۰/۶۰۱**	۰/۵۱۹**	–			
۶. مدیریت رفتار کل	۰/۸۳۳**	۰/۷۲۹**	۰/۸۰۸**	۰/۶۸۸**	۰/۸۲۰**	–		
۷. مهارتهای اجتماعی	۰/۴۶۸**	۰/۳۱۸**	۰/۳۷۳**	۰/۲۰۵**	۰/۳۴۲**	۰/۴۰۵**	–	
۸. مشکلات رفتاری	-۰/۴۳۵**	-۰/۳۲۰**	-۰/۱۹۱**	-۰/۱۸۹**	-۰/۱۷۸**	-۰/۳۱۳**	-۰/۴۳۵**	–

بر اساس داده‌های جدول ۲، ضریب همبستگی میان مدیریت رفتار والدینی با مهارتهای اجتماعی کودکان ۰/۴۰ و با مشکلات رفتاری آنان ۰/۳۱۳- است. همچنین طبق این ماتریس ضریب همبستگی همه زیرمقیاسهای مدیریت رفتار با مهارتهای اجتماعی مثبت بود که بیشترین میزان آن (r=۰/۴۶۸) به رابطه خرده‌مقیاس تغییر نگرش با مهارتهای اجتماعی و کمترین آن به رابطه خرده‌مقیاس تفاوتهای فردی و دادن فرصت تجربه با مهارتهای اجتماعی (r=۰/۲۰۵) اختصاص داشت. در مقابل، رابطه همه زیرمقیاسهای مدیریت رفتار با مشکلات رفتاری فرزندان معکوس بود و از رابطه تغییر نگرش و مشکلات فردی با ضریب همبستگی r=-۰/۴۳۵ تا رابطه درونی‌سازی رفتارها و مشکلات رفتاری با r=-۰/۱۷۸ در نوسان بود. شایان ذکر است که طبق داده‌های فوق، خرده‌مقیاس تغییر نگرش بیشترین رابطه مثبت را با مهارتهای اجتماعی و همچنین بیشترین رابطه منفی را با مشکلات رفتاری داشت.

برای اینکه معلوم شود که چقدر از واریانس مهارتهای اجتماعی و مشکلات رفتاری دانش‌آموزان متأثر از مدیریت شناختی رفتار والدین است، ضریب تعیین و خطای استاندارد برآورد متغیر وابسته از روی نمره کلی مدیریت رفتار والدین و زیرمقیاسهای آن محاسبه شدند که نتایج آن در جدول شماره۳ ارائه شده است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-09]

جدول ۳. خلاصه مدل

	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل dR	خطای استاندارد برآورد
متغیر الف	۰/۴۵۰[a]	۰/۲۰۳	۰/۱۹۹	۸/۵۲۳۰۵
متغیر ب	۰/۳۱۳[a]	۰/۰۹۸	۰/۰۹۳	۵/۲۰۳۱۶

متغیر پیش‌بین: سبک مدیریت رفتار والدین متغیر وابسته الف: مهارتهای اجتماعی کودکان متغیر وابسته ب: مشکلات رفتاری کودکان

بر پایه داده‌های جدول شماره ۳، دستکم ۲۰ درصد واریانس مهارتهای اجتماعی کودکان و ۰/۰۹ درصد واریانس مشکلات رفتاری کودکان از طریق سبک مدیریت رفتار والدین تبیین می‌شود و بقیه مربوط به سایر عوامل دخیل در این موضوع است. در ادامه برای پیش‌بینی متغیر ملاک (مهارتهای اجتماعی دانش‌آموزان) از روی زیرمقیاسهای مدیریت رفتار فرزندان شامل تغییر نگرش، توجه به نیازها و درونی‌سازی انگیزه‌ها، کارکردهای اجرایی، درونی‌سازی رفتار و توجه به تفاوتهای فردی و دادن فرصت تجربه از تحلیل رگرسیون استفاده شده است. اما پیش از آن لازم بود که از وجود پیش‌فرضهای تحلیل رگرسیون، یعنی نرمال بودن داده‌ها و یکسانی واریانس متغیرهای مورد مطالعه اطمینان حاصل می‌شد. به‌این منظور آماره کولموگروف اسمیرنف و آزمون لوین اجرا شدند. از آنجا که نتیجه آزمون کولموگروف اسمیرنف برای طبیعی بودن توزیع متغیرهای وابسته ۰/۸۲ بود (با سطح معناداری ۰/۵۱)، فرضیه نرمال‌بودن توزیع داده‌ها تأیید شد. نتایج آزمون لوین برای وارسی مفروضه یکسانی واریانس متغیرهای مورد مطالعه نیز حاکی از تأیید فرض صفر در همسانی واریانس متغیرهای مورد مطالعه بود. با توجه به رعایت پیش‌فرضهای مذکور، به منظور پیش‌بینی مهارتهای اجتماعی کودکان از روی زیرمقیاسهای مدیریت شناختی رفتار والدین، تحلیل رگرسیون انجام گرفت که نتایج آن در جدول شماره ۴ گزارش شده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون پیش‌بینی مهارتهای اجتماعی کودکان از روی زیرمقیاسهای مدیریت شناختی رفتار والدین

مقادیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجذورات	F	sig
رگرسیون ۱	۳۵۴۴/۹۲۰	۱	۳۵۴۴/۹۲۰	۴۸/۸۰۰	۰/۰۰۰
رگرسیون ۲	۴۲۰۱/۴۸۴	۵	۸۴۰/۳۷۰	۱۱/۸۸۷	۰/۰۰۰
مقادیر	**B**	**ضرایب بتا**	**خطا**	**t**	**sig**
ثابت	۰/۴۶۸	۷/۶۲۱		۰/۰۶۱	۰/۹۵۱
مدیریت رفتار والدینی	۰/۳۳۸	۰/۰۴۸	۰/۴۵۰	۶/۹۸۶	۰/۰۰۰
ثابت	۱/۴۹۹	۸/۰۰۵		۰/۱۸۷	۰/۸۵۲
تغییر نگرش	۰/۸۸۸	۰/۳۲۵	۰/۳۴۶	۳/۷۸۱	۰/۰۰۰

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-09]

جدول ۴. (ادامه)

توجه به نیازها و درونی‌سازی انگیزه	۰/۱۹۲	۰/۲۹۱	۰/۰۵۵	۰/۶۶۰	۰/۵۱۰
تقویت کارکردهای اجرایی	۰/۳۴۶	۰/۱۹۳	۰/۱۵۲	۱/۷۹۳	۰/۰۷۵
توجه به تفاوتهای فردی و فرصت تجربه	-۰/۲۰۰	۰/۲۸۴	-۰/۰۵۵	-۰/۷۰۴	۰/۴۸۲
درونی‌سازی رفتار	۰/۱۴۶	۰/۲۹۴	۰/۰۴۵	۰/۴۹۶	۰/۶۲۱

$P<۰/۰۱^{**}$

بر اساس داده‌های جدول شماره ۴، مدل رگرسیونی مورد بحث معنادار است ($F=۴۸/۸۰$ ، $P=۰/۰۱$). بنابراین می‌توان با ۹۹ درصد اطمینان ادعا کرد که به‌طورکلی مدیریت شناختی رفتار فرزندان از سوی والدین می‌تواند پیش‌بینی‌کنندهٔ مهارتهای اجتماعی کودکان باشد. افزون بر این، تغییر نگرش با $F=۳/۷۸۱$ و تقویت کارکردهای اجرایی با $F=۱/۷۹۳$ نیز بیشترین سهم را در پیش‌بینی مهارتهای اجتماعی کودکان دارند، اما سایر زیرمقیاسها مانند توجه به تفاوتهای فردی و دادن فرصت تجربه، توجه به نیازها و درونی‌سازی انگیزه و همچنین نهادینه کردن رفتار نقش چندانی در پیش‌بینی این مهارتها ندارند.

جدول ۵. تحلیل واریانس معناداری رگرسیون و ضرایب رگرسیون مدیریت شناختی رفتار فرزندان و مشکلات رفتاری کودکان از دید والدین

مقادیر	مجموع مجذورات	df	میانگین مجموع مجذورات	F	sig
رگرسیون	۵۶۵/۱۹۰	۱	۵۶۵/۱۹۰	۲۰/۸۷۷	۰/۰۰۰ [b]
مقادیر	**B**	**ضرایب بتا**	**خطا**	**t**	**sig**
ثابت	۰/۴۶۸	۷/۶۲۱		۰/۰۶۱	۰/۹۵۱
مدیریت رفتار والدینی	۰/۳۳۸	۰/۰۴۸	۰/۴۵۰	۶/۹۸۶	۰/۰۰۰
ثابت	۲۹/۶۰۷	۴/۶۵۳		۶/۳۶۴	۰/۰۰۰
مشکلات رفتاری کودکان	**-۰/۱۳۵**	۰/۰۳۰	۰/۳۱۳	-۴/۵۶۹	۰/۰۰۰

$P<۰/۰۱^{**}$

متغیر وابسته: مشکلات رفتاری کودکان متغیرپیش‌بین: مدیریت شناختی رفتار فرزندان

بر اساس داده‌های جدول شماره ۵، با ۹۹ درصد اطمینان مدیریت شناختی والدین، می‌تواند مشکلات رفتاری فرزندان را پیش‌بینی کند. ($F=۲۰/۸۷$ ، $P=۰/۰۱$).

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-09]

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش مدیریت رفتار والدینی با رویکرد شناختی در پیش‌بینی مهارتهای اجتماعی فرزندان و مشکلات رفتاری آنان بود. نتایج حاکی از آن است که مدیریت شناختی رفتار فرزندان با مهارتهای اجتماعی آنان رابطه مثبت و با مشکلات رفتاری کودکانشان رابطه معکوس دارد. یافته‌های پژوهش همچنین نشان می‌دهند که بیشترین رابطه میان زیرمقیاس تغییر نگرش فرزندان از سوی والدین و مهارتهای اجتماعی آنان برقرار است. افزون بر این، معلوم شد که می‌توان بخشی از واریانس مهارتهای اجتماعی و مشکلات رفتاری کودکان را از روی نوع مدیریت رفتار والدینی پیش‌بینی کرد.

این یافته همسو با نتایج به دست آمده از پژوهش شایق و همکارن (۱۴۰۰) درباره تاثیر الگوهای رفتاری والدین در پرخاشگری و مهارتهای اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی، پژوهش نظامی و آزموده (۱۳۹۸) در مورد تأثیر سبک فرزندپروری والدین و رابطه آنها با سازگاری اجتماعی فرزندان، مطالعه اکرمی و همکارن (۱۳۹۸) با موضوع بررسی اثربخشی برنامه آموزش مدیریت رفتار و مهارتهای اجتماعی بر مشکلات رفتاری و انطباقی نوجوانان با اختلال طیف اوتیسم و پژوهش حاجی‌زاده (۱۳۹۶) که رابطه سبکهای فرزندپروری با مهارتهای اجتماعی دانش‌آموزان را بررسی کرده است.

شایق و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند که شفقت به خود از طریق پذیرش اجتماعی در والدین رابطه‌ای مستقیم با مهارتهای اجتماعی فرزندانشان دارد. در مقابل، استرس والدین موجب افزایش پرخاشگری در کودکان می‌شود. مطالعه نظامی و آزموده (۱۳۹۸) تأیید کرد که ۸۰ درصد سازگاری اجتماعی دختران نوجوان از طریق سبک دلبستگی ایمن پدران و مادران تبیین می‌شود. این نتایج، ضرورت آموزش سبکهای فرزندپروری مثبت و اهمیت شکل گیری دلبستگی ایمن را برای سازگاری اجتماعی نوجوانان مشخص می‌کند. با توجه به یافته‌های پژوهش اکرمی و همکاران (۱۳۹۸) می‌توان گفت آموزش مدیریت رفتار والدینی نقشی مهم در کاهش مشکلات رفتاری و افزایش مهارتهای انطباقی نوجوانان با اختلال طیف اوتیسم دارد. پژوهش حاجی‌زاده (۱۳۹۶) نیز حاکی از آن است که رفتارهای نوع‌دوستانه فرزندان با اقتدار منطقی و آسان‌گیری والدین همبستگی مثبت دارد. در مقابل، رفتار استبدادی پدر و مادر می‌تواند سبب رفتارهای اجتماعی نامناسب در فرزندان شود.

بر اساس یافته‌های بارتولومو و همکاران (۲۰۱۶)، سبکهای مثبت مدیریت والدینی پیش‌بینی‌کننده نوع‌دوستی بچه‌هاست، درحالی‌که سبکهای منفی مدیریت والدینی پیش‌بینی‌کننده لجاجت و مشکلات اجتماعی آنهاست. آنها همچنین دریافتند که نظارت توأم با همدلی، رعایت نظم و انضباط و ارائه الگوی رفتار اخلاقی از سوی والدین به ارتقای مهارتهای

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-09]

اجتماعی عمومی فرزندان کمک می‌کنند؛ در مقابل، آزارهای جسمی و سبکهای فرزندپروری توهین‌آمیز بیشترین تأثیر را در بروز مشکلات رفتاری کودکان دارند.

نتایج مطالعه کامپیروویچ و همکاران (۲۰۲۰) نشان داد که روابط خانوادگی و رفتارهای والدین با فرزندان به‌طور قابل توجهی بر رشد شخصیت کودک و عملکرد اجتماعی فرزندان تأثیر می‌گذارند. وقتی که کودک در خانواده‌ای گرم بزرگ می‌شود که در آن پدر و مادر با مدیریت رفتار مثبت به او فرصت تجربه می‌دهند و زمینه تحقق استعدادها و تواناییهایش را فراهم می‌کنند، شایستگیهای اجتماعی فرزند رشد می‌کند و مهارتهای رفتاری‌اش پرورش می‌یابد. نتایج این پژوهشها این گونه تبیین می‌شود که سبک مدیریت رفتار فرزندان از سوی والدین تمام ابعاد زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و الگوهای ارتباطی خانواده می‌توانند بر چگونگی و میزان مهارتهای اجتماعی کودکان اثر بگذارند. دلیل این امر این است که شروع ارتباطهای اجتماعی کودکان و نوع تعامل آنها با همسالان و میزان این تعاملات از محیط خانواده و شیوه رفتار والدین با آنان نشأت می‌گیرد.

در تأیید نتایج تحقیق بررسیهای طولی سالاورا و همکاران (۲۰۲۲) نشان داده‌اند که سبک فرزندپروری والدین تأثیری بسزا در رشد فردی کودکان دارد، به‌طوری که سبکهای گرم و صمیمی با پیامدهای مثبت و سبکهای منفی یا مستبدانه با پیامدهای اجتماعی ضعیف مرتبط است. به‌این‌سان، آنها دریافتند سبکهای فرزندپروری تأثیری مستقیم بر مهارتهای اجتماعی دارند. افزون بر این، کودکانی که والدین‌شان از سبکهای دموکراتیک و سهل‌انگیز استفاده می‌کردند، در تمامی متغیرهای مرتبط با عواطف و مهارتهای اجتماعی امتیازی بالاتر کسب کردند.

برای تبیین این یافته‌ها باید به این نکته توجه کرد که فرایندهای هیجانی و شناختی جدا از یکدیگر نیستند و رفتار کودکان به شدت متأثر از شرایط هیجانی حاکم بر فضای تربیتی آنهاست. در شرایط هیجانی مثبت و فضای شاد و امیدبخش حاکم بر خانواده، رفتارهای مطلوب شکل می‌گیرند و توانایی تعامل مثبت و سازنده آنان در موقعیتهای اجتماعی تقویت می‌شود. در نتیجه، کودک به‌تدریج یاد می‌گیرد که این مهارتها را به سایر موقعیتها تعمیم دهد. برای مثال، وقتی‌که کودک در فضای گرم و مثبت خانه مهارت کنترل هیجان و رفتار را می‌آموزد، می‌تواند این توانایی را در مدرسه، کوچه و خیابان و در تعامل با همسالان، همکلاسیها و معلمان و مربیان خود به‌کار گیرد تا خودش را با این شرایط انطباق دهد. آشکارا روشن است که چنین انطباقی برای سازگاری و موفقیت تحصیلی آنها از اهمیتی اساسی برخوردار است. به‌عکس، درخانواده‌هایی که محیط آن آکنده از هیجانهای منفی است و به نیازها و انگیزه‌های فرزندان توجه نمی‌شود،کودکان نمی‌توانند هیجانهای خود را تنظیم کنند. این کودکان در موقعیتهای اجتماعی دچار برانگیختگی هیجانی شده، رفتارهایی نامناسب از خود بروز می‌دهند (هاجال و پالی[1]، ۲۰۲۰). تحقیقات نشان داده است

1. Hajal & Paley

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-09]

که اغلب دانش‌آموزانی که در مدرسه مشکلات رفتاری دارند، در منزل با مشکلات خانوادگی مواجه‌اند و والدین آنها سطح بالایی از استرس و تعارضات بین‌فردی را تجربه می‌کنند (کاکاوند، ۱۳۸۶). فرزندان چنین خانواده‌هایی اغلب در برقراری تعامل سالم و سازنده با دیگران دچار مشکل‌اند و از خود تصویر نامطلوب و ناسازگارانه‌ای به نمایش می‌گذارند (امان‌الهی و همکاران، ۱۳۹۸).

افزون‌براین، در مدیریت رفتار با رویکرد شناختی بر تقویت کارکردهای اجرایی فرزندان از سوی والدین تأکید می‌شود. کاملاً واضح است، کودکانی که از کارکردهای اجرایی قوی‌تر برخوردارند، قدرت بازداری بالاتر، انعطاف ذهنی بیشتر، برنامه‌ریزی و سازماندهی ذهنی دقیق‌تر دارند و می‌توانند در برخورد با موقعیتهای پیچیده اجتماعی، همکاری، مسئولیت‌پذیری، ابراز وجود و خودکنترلی بهتری از خود نشان دهند (کاشانی‌وحید و همکاران، ۱۳۹۵). از سویی هم، چون کارکردهای اجرایی دارای مراحل هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی، سازماندهی رفتار در طول زمان، انعطاف‌پذیری، توجه، حافظه فعال و فرایندهای خودنظم‌دهی‌اند، به‌نظر می‌رسد کودکان در فرایند مدیریت شناختی والدینشان می‌آموزند که چگونه به تحلیل گام‌به‌گام رفتار خویش بپردازند و از نتیجه‌گیری زودهنگام در موقعیتهای متفاوت اجتناب کنند. آنها در برابر دیگران، واکنشهای رفتاری بهتری از خود نشان می‌دهند، زیرا آموخته‌اند که در توصیف موقعیتها به همه جوانب آن موقعیت توجه کنند و خود را به بعضی از جنبه‌های آن محدود نسازند.

این والدین از طریق فراهم آوردن موقعیتهای مناسب و ایجاد فضاهای هیجانی مثبت، می‌توانند شرایط را برای درونی‌سازی رفتارها در کودکان و یادگیری عمیق مهارتهای اجتماعی به‌وجود آورند. وقتی که رفتار کودک بر اساس انتخاب آگاهانه باشد، آن را با شوق و انگیزش بیشتری انجام می‌دهد، زیرا تصمیم‌گیری و انتخاب خودمختارانه بر درونی شدن رفتار اثر می‌گذارد. به بیان دیگر، اگر فرزندان باور کنند که فعالیتهایشان را بر اساس میل و اراده خود انجام می‌دهند، نه به دلیل دریافت پاداش یا موفقیت بیرونی، در این صورت رفتارشان تثبیت می‌شود.

مطالعات نشان داده است زمانی که به افراد فرصت انتخاب کردن و پذیرش مسئولیت داده می‌شود، انگیزه، دقت و توجه آنان در سازماندهی و انجام فعالیتها نسبت به کسانی که بر اساس دستورالعمل خاصی مجبور به انجام فعالیت مشابهی بودند، افزایش می‌یابد (دوایی و کاشانی‌وحید، ۱۳۹۸). بنابراین، والدین اگر به کودکان خود فرصت تجربه بدهند، از طریق فعالیت در محیط واقعی و بازخورد گرفتن از نتیجه آن عمل، می‌توانند به درونی‌سازی و تثبیت رفتارهای مورد نظر در فرزندان خود کمک کنند. علاوه براین، والدین با ایجاد فرصتهای مناسب برای انجام دادن آن رفتار در موقعیتهای مشابه، زمینه تعمیم رفتارهای آموخته شده را در کودکان مهیا کنند. بنابراین، مدیریت رفتار باید مبتنی بر فراهم‌سازی فرصتهایی برای تجربه‌کردن با در نظر گرفتن تفاوتهای

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-09]

فردی، سن، توانمندیهای فردی، تفاوتهای رشدی و سبکهای یادگیری فرزندان باشد (خرازی و تلخابی، ۱۳۹۶).

روان‌شناسان تأکید می‌کنند که برای تسهیل در مدیریت رفتار باید به ارضای نیازهای اساسی کودک توجه شود. هنگامی که ارضای نیازها آغاز می‌شود، سطح انگیزش فرد تغییر می‌کند و به‌جای نیازهای اولیه مثل غذا و آب و رفع خستگی، نیازهایی مانند حس امنیت و تعلق و احترام و موردتوجه قرار گرفتن اهمیت می‌یابد. برجسته شدن این نیازها به تشخیص و پرورش توانمندیهای او می‌انجامد و محرک رفتار و ایجاد انگیزه برای انجام کارهای با ارزش‌تر و رسیدن به اهداف بالاتر می‌شود (دوایی و کاشانی‌وحید، ۱۳۹۸).

این پژوهش چند محدودیت اساسی داشت. نخست آنکه به دلیل عدم همکاری سازمان آموزش‌وپرورش استان تهران امکان نمونه‌گیری خوشه‌ای از همه مدارس شهر تهران وجود نداشت و ناچار از نمونه در دسترس استفاده شد. دوم آنکه به دلیل تعداد بالای نمونه، امکان برگزاری جلسه حضوری با والدین دانش‌آموزان و تکمیل پرسشنامه‌ها با حضور پژوهشگر وجود نداشت. از این‌رو، به‌رغم تدوین و ارسال برگه راهنمای شیوهٔ تکمیل پرسشنامه‌ها، برخی والدین متوجه معنای بعضی گویه‌ها نشده بودند و پرسشنامه‌ها ناقص بودند که به اجبار این افراد از پژوهش حذف شدند.

پیشنهاد می‌شود که برای بررسی اثربخشی آموزش مدیریت رفتار فرزندان با رویکرد شناختی به والدین، پژوهش مداخله‌ای طراحی شود و پروتکل آموزشی مدیریت رفتار فرزندان با رویکرد شناختی تدوین و به والدین دانش‌آموزان گروه آزمایشی، آموزش داده شود و با برگزاری پیش‌آزمون و پس‌آزمون، مهارتهای اجتماعی کودکان پیش و پس از آموزش مدیریت رفتار به والدین ارزیابی شود.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-09]

منابع

REFERENCES

اسکندری، بهاره؛ پوراعتماد، حمیدرضا؛ موسوی، معصومه و فراهانی، حجت‌الله. (۱۳۹۹). معرفی و تحلیل برنامه‌های مدیریت رفتاری والدین با هدف کاهش مشـــکلات رفتاری برای کودکان سنین پیش‌دبســـتانی. *مجله روانشناسی و روان‌پزشکی شناخت، ۷* (۴)، ۱۴۷-۱۶۹.

DOI: 10.52547/SHENAKHT.7.4.147

اکرمی، لیلا؛ ملک پور، مختار؛ فرامرزی، ســـالار و عابدی، احمد. (۱۳۹۸). بررســـی اثربخشی برنامه آموزش مدیریت رفتار و مهارتهای اجتماعی بر مشکلات رفتاری و انطباقی نوجوانان پسر با اختلال طیف اوتیسم با عملکرد بالا. *مجله توانبخشی*، ۲۰ (۴)، ۳۲۲-۳۳۹.

DOI: 10.32598/RJ.20.4.322

امان‌الهی، عباس؛ زربخش، محمدرضا؛ رجبی، غلامرضا. (۱۳۹۸). تعارض‌های زناشـــویی و سرمایه‌گذاری هیجانی اجتماعی والدین: پیش‌بینی تمایزی مشـــکل‌های رفتاری بیرونی کودکان. *فصلنامه روان‌شناســـی تحولی روان‌شناسان ایرانی، ۱۶* (۶۱)، ۳۷-۴۸.

حاجی‌زاده، نوریه. (۱۳۹۶). بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری با مهارتهای اجتماعی دانش‌آموزان. *کنفرانس پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی.*

خرازی، ســـید کمال و تلخابی، محمود. (۱۳۹۶). *مبانی آموزش‌وپرورش شناختی*. تهران: انتشارات سمت و پژوهشکده علوم شناختی.

خوش‌نظر، الهام. (۱۳۸۳). *هنجاریابی مقیاس درجه‌بندی مهارتهای اجتماعی(SSRS) در کودکان پیش‌دبستانی شهر تهران (فرم والدین)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی وعلوم تربیتی، دانشگاه تهران.

دوایی، مهدی؛ کاشـــانی‌وحید، لیلا و میرمحمدصادقی، محســـن. (۱۳۹۶). *اصول ومبانی مدیریت رفتار با رویکرد شناختی*. گزارش پژوهشی، پژوهشکده علوم شناختی، تهران.

دوایی، مهدی وکاشانی‌وحید، لیلا. (۱۳۹۸). *آموزش‌وپرورش شناختی، مدیریت رفتار*. تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری تربیت؛ شناخت انگاره و مؤسسه آموزش عالی علوم شناختی.

رحیمی‌یگانه، زهرا. (۱۳۹۶). *مطالعه کاربست اصول مدیریت رفتار با رویکرد شناختی توسط والدین و رابطه آن با مهارتهای اجتماعی کودکان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی علوم شناختی.

سمیعی زفرقندی، مرتضی و زارع بیدکی، لیلا. (۱۳۹۹). رابطه محیط خانواده با مهارتهای اجتماعی و حل مسأله دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه. *فصلنامه خانواده و پژوهش، ۱۷* (۴)، ۶۱ –۸۲.

DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.4.4.2

شایق، محمد؛ برزگر بفرویی، کاظم و رحیمی، مهدی. (۱۴۰۰). نقش عوامل خانوادگی در پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی با واسطه‌گری مهارتهای اجتماعی. *مجله طلوع بهداشت*، ۲۰ (۱)، ۳۸-۵۴.

DOI: 10.18502/TBJ.V20I1.6183

شهیم، ســیما. (۱۳۷۸). بررســی مهــارت اجتمــاعی در گروهــی از کودکان عقب مانده ذهنی آموزش‌پذیر بــا اســتفاده از نظام درجه‌بندی مهارت اجتماعی. *مجلــه روان‌شناســی و علــوم تربیتی دانشگاه تهران*، ۴ (۱)، ۱۸ -۳۷.

کاشانی وحید، لیلا؛ افروز، غلامعلی؛ شکوهی یکتا، محسن؛ خرازی، کمال و غباری‌بناب، باقر. (۱۳۹۵). طراحی وتدوین برنامه آموزش حل مسئله بین فردی با رویکرد خلاقانه و بررسی اثربخشی آن بر بهبود مهارتهای اجتماعی دانش‌آموزان سرآمد. دو *فصلنامه علمی- پژوهشی شناخت اجتماعی*، ۵ (۲)، ۹-۲۵.

DOR: 20.1001.1.23223782.1395.5.2.1.3

کاکاوند، علیرضا. (۱۳۸۶). *اختلال نقص توجه ـ بیش‌فعالی، راه‌حل‌هایی برای معلمان و والدین*. تهران: انتشارات سرفراز.

معمارباشی اول، مژگان؛ طبیبی، زهرا و نورانی جورجاده، رقیه. (۱۳۹۸). بررسی رابطه تعامل والد ـ کودک با مهارتهای اجتماعی و مشکلات رفتاری با میانجیگری خودمهارگری بازداری در کودکان پیش دبستانی. *فصلنامه خانواده پژوهی*، ۱۵ (۴)، ۵۴۱-۵۵۷.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-09]

نظامی، لطیفه و آزموده، معصومه. (۱۳۹۸). پیش‌بینی سازگاری اجتماعی براساس طرح‌واره‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی والد-فرزند در دختران نوجوان دانش‌آموز شهرتبریز. *مجله زن و مطالعات خانواده*، ۱۲ (۴۳)، ۱۴۵-۱۶۵.
DOI: 10.30495/JWSF.2019.668809

ورکمن، ادوارد ا. و کاتز، آلن ام. (۱۳۸۳). *آموزش خودکنترلی رفتار به دانش‌آموزان*، ترجمه الهه محمداسماعیل. تهران: نشر دانژه.

Bambara, L. M., & Kern, L. (Eds.). (2021). *Individualized supports for students with problem behaviors: Designing positive behavior plans*. Guilford Publications.

Bartholomeu, D., Montiel, J. M., Fiamenghi, G. A., & Machado, A. A. (2016). Predictive power of parenting styles on children's social skills: A Brazilian sample. *Sage Open*, *6*(2). https://doi.org/10.1177/2158244016638393

Fisher, S. D., Reynolds, J. L., & Sheehan, C. E. (2016). The protective effects of adaptability, study skills, and social skills on externalizing student–teacher relationships. *Journal of Emotional and Behavioral Disorders*, *24*(2), 101-110. https://doi.org/10.1177/1063426615598767

Greene, C. A., Chan, G., McCarthy, K. J., Wakschlag, L. S., & Briggs-Gowan, M. J. (2018). Psychological and physical intimate partner violence and young children's mental health: The role of maternal posttraumatic stress symptoms and parenting behaviors. *Child Abuse & Neglect,* 77, 168-179. doi: 10.1016/j.chiabu.2018.01.012

Gresham, F. M., & Elliott, S. N. (1990). *Social skills rating system.* Circle Pines, MA: American Guidance Services.

Gresham, F., Elliott, S., Metallo, S., Byrd, S., Wilson, E., Erickson, M., ... Altman, R. (2020). Psychometric fundamentals of the social skills improvement system: Social–emotional learning edition rating forms. *Assessment for Effective Intervention*, *45*(3), 194-209.

Gustavsen, A. M. (2017). Longitudinal relationship between social skills and academic achievement in a gender perspective. *Cogent Education*, *4*(1), 1411035.

Hajal, N. J., & Paley, B. (2020). Parental emotion and emotion regulation: A critical target of study for research and intervention to promote child emotion socialization. *Developmental Psychology*, *56*(3), 403417. doi: 10.1037/dev0000864.

Jaureguizar, J., Garaigordobil, M., & Bernaras, E. (2018). Self-concept, social skills, and resilience as moderators of the relationship between stress and childhood depression. *School Mental Health*, *10*(4), 488-499.

Kompirović, T. P., Radojević, T., & Đurić, I. (2020). The correlation between parenting styles and childrens' social competences and anti-social behavior. *The New Educational Review*, *62*(4), 34-45. DOI:10.15804/tner.20.62.4.03

Ladd, G. W., & Kochenderfer-Ladd, B. (2019). Parents and children's peer relationships. In M. H. Bornstein (Ed.), *Handbook of parenting: The practice of parenting* (3rd ed., pp. 278–315). Routledge/Taylor & Francis Group. https://doi.org/10.4324/9780429401695-10

Little, S. G., Swangler, J., & Akin-Little, A. (2017). Defining social skills. In J. L. Matson (Ed.), *Handbook of social behavior and skills in children* (pp. 9-17). Springer International Publishing/ Springer Nature. https://doi.org/10.1007/978-3-319-64592-6_2

Malott, R. W., & Kohler, K. T. (2021). *Principles of behavior*. Routledge.

Martinsone, B., Supe, I., Stokenberga, I., Damberga, I., Cefai, C., Camilleri, L., ... Grazzani, I. (2022). Social emotional competence, learning outcomes, emotional and behavioral difficulties of preschool children: Parent and teacher evaluations. *Frontiers in Psychology*, *12*, 760782. doi: 10.3389/fpsyg.2021.760782

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-09]

Morrison, K. E., DeBrabander, K. M., Jones, D. R., Ackerman, R. A., & Sasson, N. J. (2020). Social cognition, social skill, and social motivation minimally predict social interaction outcomes for autistic and non-autistic adults. *Frontiers in Psychology*, *11*, 591100. doi: 10.3389/fpsyg.2020.591100

Radley, K. C., & Dart, E. H. (2022). What are social skills?. Social skills teaching for individuals with autism. *Integrating Research into Practice,* 11-21.

Ruiz-Hernández, J. A., Moral-Zafra, E., Llor-Esteban, B., & Jiménez-Barbero, J. A. (2018). Influence of parental styles and other psychosocial variables on the development of externalizing behaviors in adolescents: A sytematic review. *The European Journal of Psychology Applied to Legal Context, 11*(1), 9-21. https://doi.org/10.5093/ejpalc2018a11

Salavera, C., Usán, P., & Jarie, L. (2017). Emotional intelligence and social skills on self-efficacy in secondary education students. Are there gender differences? *Journal of Adolescence*, *60*, 39-46. doi: 10.1016/j.adolescence.2017.07.009

Salavera, C., Usán, P., & Quilez-Robres, A. (2022). Exploring the effect of parental styles on social skills: The mediating role of affects. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, *19*(6), 3295. doi: 10.3390/ijerph19063295

Schickedanz, A., Halfon, N., Sastry, N., & Chung, P. J. (2018). Parents' adverse childhood experiences and their children's behavioral health problems. *Pediatrics*, *142*(2), e20180023. https://doi.org/10.1542/peds.2018-0023

Swartz, L., Seeley, J., Gau, J., Singer, M., & Schroeder, S. (2016). R*esults from a randomized control trial of a parenting intervention for highly-stressed families: Make parenting a pleasure.* https://parentingnow.org/wp-content/uploads/2016/03/MPAP-Evaluation-Results3_1_2016.pdf

Trigueros, R., Sanchez-Sanchez, E., Mercader, I., Aguilar-Parra, J. M., López-Liria, R., Morales - Gázquez, M. J., ... Rocamora, P. (2020). Relationship between emotional intelligence, social skills and peer harassment. A study with high school students. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, *17*(12), 4208. doi: 10.3390/ijerph17124208

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-09]

Quarterly Journal of
Family and Research

Predicting Children's Social Skills and Behavioral ProblemsBased on Parental Behavior Management: A Cognitive Approach

Z. Rahimi Yeganeh[1] M. H. Sharifinia, Ph.D.[2*]

Abstract

Social skills are among the most critical competencies an individual must acquire during childhood. Parental behavioral styles are closely linked to the development of these skills and the emergence of behavioral problems in children. The present study was conducted to investigate the role of cognitive-based parental behavior management in predicting children's social skills and behavioral problems. The research followed a descriptive, predictive correlational design. The participants included 194 primary school students (boys and girls) and their parents in Tehran, selected via convenience sampling. Children's social skills and behavioral problems were assessed using the Gresham and Elliott Social Skills Rating System (SSRS), while parental performance in managing children's behavior was measured through a researcher-developed Parental Behavior Management Questionnaire. Data were analyzed using Pearson correlation coefficients and linear regression analysis via SPSS version 22. The findings revealed a significant positive relationship between cognitive parental behavior management and children's social skills, and a significant negative relationship with their behavioral problems. Furthermore, linear regression results indicated that 20% of the variance in children's social skills can be predicted by a cognitive approach to parental behavior management. Consequently, this study confirms the vital role of cognitive parental behavior management in fostering social skills and mitigating behavioral issues in children.

Keywords: **Child behavior management, social skills, behavioral problems, cognitive approach**

Date received: Dec. 29, 2023 **Date accepted:** May 29, 2024

This paper is derived from the first author's Master's Thesis.

1. M.A. in Mind, Brain, and Education, Higher Education Institute for Cognitive Sciences, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Psychology, Research Institute for Howzeh and University, Qom, Iran (Corresponding Author).
E-mail: sharifinia@rihu.ac.ir

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-09]